فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۹۵- ۱۶۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۷

تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهدی ذوالفقاری[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)
ابوذر عمرانی[۲]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۹ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

هر بحران و مسئله‌ای در خاورمیانه، هم خود کشورهای منطقه را متأثر می‌سازد و هم سیستم بین‌المللی را وادار به واکنش می‌کند. در سال های اخیر بنیادگرایی اسلامی داعش و اقدامات آنها، منطقه خاورمیانه و کل نظام بین‌الملل را متأثر کرده است. به خصوص جمهوری اسلامی ایران به خاطر هویت شیعی و غیر عربی خود در معرض مستقیم تهدیدات داعش قرار دارد. هدف پژوهش حاضر این است که با روش تبیینی- تحلیلی، تأثیر ظهور پدیده داعش بر امنیت ملی ایران را مورد بررسی قرار دهد. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که ظهور بنیادگرای اسلامی داعش در منطقهٔ خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ در ادامه این فرضیه مطرح می شود که داعش تهدیدی مستقیم و جدی علیه امنیت ملی ایران است. از جمله این تهدیدات می‌توان به رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف بین شیعه- سنی، تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی، برهم خوردن موازنهٔ قوا در منطقه به نفع عربستان، ترکیه و اسرائیل و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا در منطقه خاورمیانه اشاره کرد. در عمل نیز طی سال‌هایی که از ظهور داعش گذشته، علاوه بر تضعیف دولت‌های شیعی سوریه و عراق، تهدید مرزهای جمهوری اسلامی و انجام عملیات تروریستی در داخل ایران، رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران از جمله عربستان و ترکیه و آمریکا، برای تضعیف محور مقاومت، به شدت از گروه‌های افراط‌گرا حمایت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: داعش، امنیت ملی، مکتب کپنهاگ، ایران، عراق، سوریه، عربستان.

1. zolfaghari118@gmail.com
2. ahoora_131@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

مقدمه

امنیت یک مفهوم پیچیده و مناقشه‌برانگیز و عمیقاً متأثر از ارزش‌هاست. مسئلهٔ امنیتی زمانی به وجود می‌آید که فرد، گروه یا دولتی، استقلال یا جان دیگری را تهدید کند. در این بین داعش یا «دولت اسلامی عراق و شام»[1] یکی از گروه‌هایی است که در کشورهای عراق و سوریه شکل گرفته و هم اکنون به عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های امنیت منطقه خاورمیانه و بین‌الملل مطرح است. اقدامات این گروه سلفی- تکفیری تأثیری مستقیم بر امنیت کشورهای منطقهٔ خاورمیانه دارد. از آنجا که ایران نیز یکی از کشورهای خاورمیانه و در فاصله مکانی اندکی نسبت به ظهور پدیده داعش است، این سؤال مطرح می‌شود که ظهور دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در منطقهٔ خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ پژوهش حاضر با مفروض قرار دادن دشمنی داعش با شیعیان، این فرضیه را مطرح می‌کند که ظهور داعش به دلایلی نظیر تهدید مستقیم مرزها و تمامیت ارضی ایران، توان اشاعهٔ افکار افراطی در میان بخش‌هایی از جامعهٔ ایران، جنگ علیه نظام سوریه و عراق به عنوان منطقهٔ مانور استراتژیک ایران و از این طرق، تضعیف ایران در برابر رقبای منطقه‌ای، تهدیدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

از این‌رو، هدف پژوهش حاضر تلاش برای حفظ، گسترش و بالا بردن ضریب امنیت ملی است و چون بنیادگرایی اسلامی محیط منطقه‌ای ایران را از خود متأثر ساخته است، پس این موضوع می‌تواند به طریق اولی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. در همین راستا، تبیین بنیادگرایی اسلامی و امنیت ملی ایران می‌تواند ارزش کاربردی برای دولت ایران و نیز ارزش علمی برای مراکز پژوهشی و تحقیقاتی کشور داشته باشد. از این‌رو، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تهدیداتی است که از جانب گروه بنیادگرای داعش متوجه جمهوری اسلامی است. این تهدیدات بسیار واقعی، ملموس و مهم هستند تا جایی که جمهوری اسلامی حتی با اتخاذ تدابیر و خط‌مشی‌های نظامی باید برای رفع این تهدیدات بکوشد. به علاوه، از آنجا که داعش مبارزه با شیعه را در مرکز اهداف خود قرار داده است، پرداختن به این مسئله ضرورت و اهمیت دارد. همچنین، حضور ایالات متحده در محیط منطقه‌ای ایران و ایجاد پایگاه‌های دائمی در نزدیکی مرزهای ایران به بهانهٔ مبارزه

1. ISIS (The Islamic State of Iraq and Al-Sham)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

با گروه‌های بنیادگرا و در مواردی، متهم شدن ایران به همکاری با این گروه‌ها، با توجه به مناسبات خصمانهٔ دو کشور و تعریف تهدیدآمیز در ذهنیت رهبران ایران و آمریکا نسبت به یکدیگر، اهمیت مضاعفی به موضوع می‌دهد.

پیشینه پژوهش

اگرچه تعداد زیادی مقاله، کتاب و رساله دربارهٔ امنیت ملی ایران به چاپ رسیده، اما با توجه به نو ظهور بودن پدیده داعش، متون علمی-تخصصی معتبر راجع به تأثیر داعش بر امنیت ملی ایران اندک است. با توجه به این مطلب چند مقاله و کتاب قابل استناد علمی به عنوان پیشینه پژوهش در این قسمت مطرح می‌شود.

یکی از مقالاتی که به شکل‌گیری پدیده داعش و ساختار تشکیلاتی آن پرداخته است، مقاله محمدرضا حاتمی (۱۳۹٤) با عنوان «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن» است. وی سعی دارد تأثیرات جهانی شدن در شکل‌گیری و رشد گروه تروریستی داعش در منطقه خاورمیانه را در این مقاله نشان دهد. اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «داعش و امنیت ملی ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، این مسئله را با تکیه بر مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان با طرح این سؤال که پدیدهٔ داعش به عنوان یک تهدید چه نسبتی با امنیت ملی ایران دارد، سعی کرده‌اند این تهدیدات را از زوایای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد بررسی قرار دهند. آدمی و نیکنام (۱۳۹۵)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی-تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران»، تهدید داعش را به لحاظ هستی‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان مقاله با این فرضیه که ناامنی هستی‌شناختی علت اصلی تهدید گروه‌های سلفی- تکفیری بر ضد امنیت ملی ایران است، نتیجه می‌گیرند که رشد این گروه‌ها با بر هم زدن رویه‌های عادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، امنیت هستی‌شناختی ایران را با تهدید روبه‌رو ساخته است.

در هر صورت، به دلیل نوظهور بودن این پدیده منابع آکادمیک زیادی در این رابطه وجود ندارد. برخی از آثار مهم و انتشار یافته عبارت‌اند از: خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق (۱۳۹۳)، اثر علی اکبر اسدی؛ بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری- وهابی دولت

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

اسلامی عراق و شام (داعش) (۱۳۹٤)، اثر مهدی بخشی شیخ احمد، مهدی بهاری و بهنام وهاب‌پور؛ شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن (۱۳۹٤)، اثر محمدرضا حاتمی؛ آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه (۱۳۹۳)، اثر علی اصغر ستوده و جعفر خزائی؛ سلفی‌گری در عراق جدید و تأثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، اثر علی‌رضا طحامنش و حجت‌الله قدیری؛ تأثیر سلفی‌گری منطقه‌ای بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، اثر حیدر کشاورز و تحول مفهوم امنیت ملی (۱۳۸۰)، اثر محمود بصیری.

چارچوب تئوریک؛ امنیت ملی در مکتب کپنهاگ

امنیت ملی مهم‌ترین اصل در ثبات سیاسی و استقلال یک کشور با یک واحد سیاسی است؛ زیرا بقای هر کشور، تمامیت ارضی و ثبات و استمرار حکومت آن بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که برخی امنیت ملی را پیش‌شرط تأمین سایر اهداف ملی می‌دانند (مندل، ۱۳۷۹: ۱۰). یکی از مکاتبی که مسئله امنیت را مورد توجه و مطالعه قرار داده مکتب کپنهاگ است. سطح تحلیل مکتب کپنهاگ منطقه‌ای است. از آنجایی که موضوع این پژوهش بر تهدیدات امنیت ملی در محیط منطقه‌ای ایران تمرکز دارد، این نظریه بهتر می‌تواند موضوع مورد نظر ما را پوشش دهد. شاخص‌بندی تهدیدات امنیت ملی که از جانب بنیادگرایی اسلامی متوجه جمهوری اسلامی ایران است، با ابعاد سیاسی، نظامی و اجتماعی امنیت ملی که در مکتب کپنهاگ بحث می‌شود، تقریباً منطبق است.

مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ[1] که مکتب کپنهاگ یکی از شاخه‌های فکری آن به شمار می‌آید، توسط پارلمان دانمارک در ۱۹۸۵ تأسیس شد. نتایج پژوهش‌های درخشان این مکتب باعث شد که در ۱۱ ژوئن ۲۰۰۱ میلادی، پادشاه دانمارک فرمان الحاق این مؤسسه را به وزارت امور خارجه صادر کند. هم اکنون مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ در زمینه امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی، امنیت اجتماعی و مطالعات موردی فعالیت می‌کند (نصری، ۱۳۷٦: ۳٤). در این بین آنچه که به عنوان مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی مشهور شده، از سوی این صاحب‌نظران مطرح نشده است بلکه اصطلاحی است که بیل

1. Copenhagen Peace Research Institute

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

مک سوئینی[1] برای معرفی آثار و نقطه‌نظرات باری بوزان[2]، ال ویور[3] و دیگران در سال ۱۹۹۶ به کار برده است. از آن پس کلیهٔ آثار مشابه با این شیوه تفکر درخصوص مطالعات امنیتی، با عنوان مکتب کپنهاگ، مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. از مهم‌ترین نوآوری این مکتب در زمینهٔ امنیت سه اصل مهم به این شرح است:

۱. این مکتب سعی در تحلیل مسائل جهانی با رویکرد منطقه‌ای دارد.

۲. بخش‌ها و ابعاد امنیت متعدد هستند و صرفاً نظامی‌گری را شامل نمی‌شود.

۳. درخصوص امنیتی کردن موضوعات نیز دیدگاه‌های خاصی را دنبال کرده و باور به نفی آن دارد.

برای تحلیل امنیت از منظر مکتب کپنهاگ باید به دو مفهوم امنیتی کردن و محیط امنیتی توجه ویژه شود. امنیتی کردن یکی از سه انگارهٔ اصلی مکتب کپنهاگ است که مکمل نگاه «توسیعی و تعمیقی» این مکتب به امنیت است. این انگاره امنیت را به عنوان پدیده‌ای متکی بر ذهن افراد و فعالیت زبانی آنها تلقی می‌کند (دهقانی‌فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۸). بوزان معتقد است امنیتی شدن موضوع الزاماً ربطی به وجود یک تهدید واقعی ندارد و می‌تواند از معرفی آن به عنوان یک تهدید نشأت گیرد. بنابراین، باید گفت که این دولت‌ها هستند که در یک زمان و مکان مشخص از یک موضوع تعریف تهدیدآمیز می‌کنند و با تغییر شرایط ممکن است آن موضوع از لیست مسائل امنیتی خارج شده و حتی به عنوان یک فرصت به آن نگاه شود. یک امنیتی ساختن موفق باید دارای خصایص زیر باشد: تهدیدات وجودی، عمل فوری و تأثیر بر روابط درون واحدها به واسطه نقض آزادانه قوانین (بوزان، ویور و دی وایلد، ۱۳۸۶: ۵۲).

بوزان برای تحلیل محیط امنیتی از ایده، نهادها و زیرساخت‌های عینی دولت بهره می‌گیرد. از دید وی تهدیدهای ممکن برای امنیت ملی، این سه جزء را نشانه می‌گیرند و در این بین، تهدید علیه ایدهٔ دولت پیچیده‌تر از تهدید نسبت به دیگر ابعاد دولت است. ایده‌ها اساس و پایهٔ دولت را شکل می‌دهند و بیش از دیگر اجزا در معرض خطر و تهدید هستند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بوزان دولت را مرجع امنیت قلمداد می‌کند. هیچ بازیگری به اندازه دولت

1. Bill Mc Sweeney
2. Barry Buzan
3. Al Weaver

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

در نظام بین‌الملل وجود ندارد و از لحاظ مشروعیت و ایدهٔ حاکمیت نیز دولت‌ها در صدر هستند. به همین دلیل امنیت ملی، به‌ویژه امنیت نظامی برای بوزان مباحث مهمی را شکل می‌دهند.

۱. ابعاد امنیت ملی

امنیت ملی ابعاد مختلفی دارد که در اینجا به اهم آن پرداخته می شود:

الف) امنیت نظامی: مرکز ثقل مطالعات امنیتی متعارف، ایمنی کشور و ارزش های اساسی آن از تهدید نظامی نیروها و عوامل خارجی است. تأکید بر امنیت نظامی صرف، تهدیدها و منابع مهمی را که باید به آن توجه شود، به طور قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کند. این موضوع برای تحلیل مدیریت‌های امنیتی نیز بسیار ارزش دارد. هنگامی که تهدیدها از منابع بیشتر و متنوع‌تری باشد و در ابعاد مختلف هم تغییر و تحول یابد، ارزیابی آن دشوارتر می‌شود. در واقع، امنیت نظامی مرکز کانون مطالعات امنیت است (نصری، ۱۳۷٦: ۳۸).

ب) امنیت سیاسی: اندیشمندان مکتب کپنهاگ توجه خاصی به این حوزهٔ امنیت داشته‌اند و تهدیدهای سیاسی را به طور عمده متوجه مشروعیت و حاکمیت دولت می‌دانند. به باور بوزان تهدیدهای سیاسی از تمام تهدیدها برای دولت خطرناک‌تر است؛ زیرا فلسفه وجودی دولت را که شامل ایده، ایدئولوژی، هویت و نهادهای یک دولت است، مورد تهدید قرار می‌دهد. مکتب کپنهاگ مهم‌ترین تهدید و آسیب‌پذیری را متوجه حاکمیت دولت می‌داند. از آنجا که حاکمیت دولت متشکل از سه مؤلفهٔ ایده، پایه‌های فیزیکی و نهادهاست، ضرورتاً تهدید این سه مؤلفه آسیب‌پذیری حاکمیت و فلسفه وجودی دولت را به دنبال دارد (بوزان، ویور و دی وایلد، ۱۳۸٦: ۲۲۲).

ج) امنیت اجتماعی: مفهوم سازمان‌دهنده امنیت اجتماعی، هویت است. امنیت اجتماعی ناظر بر گروه‌های هویتی بزرگ و بی‌نیاز از خود است. اینکه این گروه‌ها در عمل چه هستند، بسته به زمان و مکان تفاوت دارند. این مفهوم را می‌توان به منزلهٔ «امنیت هویت» هم گرفت. امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت آنهاست. امنیت اجتماعی نه به سطح فردی و پدیده‌های عمدتاً اقتصادی، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و اقدامات اتخاذشده برای دفاع از این‌گونه هویت‌ها ناظر است (بوزان، ویور و دی وایلد: ۱۳۸٦: ۱۸۷).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

۲. سطوح تحلیل امنیت

از مهم‌ترین پیامدهای فروپاشی نظام دوقطبی، اهمیت نقش مناطق در مباحث امنیتی است، تحولی که پیش از آن در ساختار متصلب دوران جنگ سرد، امکان‌پذیر نبود (داداندیش و کالجی: ۱۳۸۹، ۹۶). فروپاشی جهان دوقطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر سامانهٔ بین‌المللی، بوزان را بر آن داشت تا نظریهٔ «مجموعه امنیت منطقه‌ای» را مطرح کند که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیدهٔ جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد (واعظی و داداندیش، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

مجموعه امنیتی، یعنی گروهی از دولت‌ها که علایق امنیتی اصلی آنها به قدری زیاد است که امنیت ملی آنها را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد. مجموعه امنیتی بر وابستگی متقابل در رقابت و نیز علایق مشترک تأکید دارد. بوزان در مبحث امنیت منطقه‌ای، همبستگی‌های نژادی و فرهنگی را امری مهم قلمداد می‌کند. اختلافات و همبستگی‌های فرهنگی و نژادی می‌تواند ایدهٔ امنیت ملی را سست کند و زمینه را برای مداخلات کشورها در امور یکدیگر تسهیل کند. بوزان این عامل را در خاورمیانه دارای اثرات فراوانی می‌داند. در این حوزه ایدهٔ ملت عرب و نیروهای فراملیتی اسلام سیاسی به همراه یکدیگر منطقه را شکل داده‌اند. ناسیونالیسم عرب و اسلام، هر دو باعث تضعیف هویت‌های دولت‌های منفرد می‌شوند و امکان ارائهٔ تفسیر امنیتی فوق-العاده بالایی را فراهم می‌سازد. آنها نقش مهمی در ایجاد سازمان‌های محلی (جامعه عرب، شورای همکاری خلیج‌فارس و گروه‌های بنیادگرا مثل القاعده، طالبان و داعش) داشته‌اند (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹٤: ۱۳۱).

بنیادگرایی داعش و امنیت ملی ایران؛ تجزیه و تحلیل

۱. دولت اسلامی عراق و شام؛ تاریخچه و نحوه تأسیس آن

داعش گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی دارد و هدف سازمان‌دهندگانش نیز بازگرداندن چیزی است که آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می‌نامند (بصیری، آقامحمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۵۲). به‌رغم اینکه داعش گروهی نوظهور در سوریه است، ولی گروه جدیدی نیست و از همه گروه‌های مسلح شناخته‌شده در سوریه به طور خاص و در منطقه به طور عام، قدیمی‌تر است. تاریخچهٔ داعش به سال ۲۰۰٤م، یعنی هنگامی که ابو

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

مصعب الزرقاوی شبکه‌ای را به نام «جماعت توحید و جهاد» تأسیس و رهبری آن را به عهده گرفت و با شبکه القاعده به رهبری اسامه بن لادن بیعت کرد، بازمی‌گردد. جماعت توحید و جهاد نهضت مقاومتی است که در سال ۲۰۰۳، با هدف مقابله با تهاجم آمریکا علیه عراق پایه‌گذاری شد. رهبر گروه، ابومعصب الزرقاوی بود و به سازمان القاعده عراق نیز معروف بودند. در ژانویه سال ۲۰۰۶ القاعدهٔ عراق گروه‌های تروریستی کوچک را تحت حمایت خود در آورد و شورای مجاهدین را به وجود آورد. بعد از کشته شدن الزرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶، شورا ضمن جذب چهار گروه دیگر از گروه‌های جهادی سنی مذهب، هم‌صدا با قبایل عرب عراقی اعلام کرد که هدف، آزادکردنِ عراق از دست شیعیان و اشغالگران خارجی و بازگرداندن اسلام به دوران طلایی خود است (بخشی شیخ احمد، بهاری و وهاب‌پور، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

پس از قتل الزرقاوی، «ابی حمزه المهاجر» به عنوان رهبر شبکه القاعده در عراق به جانشینی او تعیین شد. در پایان سال ۲۰۰۶م، یک گروه شبه‌نظامی متشکل از همه گروه‌های اصول‌گرای موجود در عراق به نام «دولت اسلامی در عراق» به رهبری «ابو عمر البغدادی» تشکیل شد. در عملیات نظامی در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰، نیروهای آمریکایی ابی‌عمرالبغدادی و ابی‌حمزه‌المهاجر را کشتند. حدود ۱۰ روز بعد مجلس شورای دولت اسلامی در عراق تشکیل و «ابی‌بکر البغدادی» که امروز امیر «دولت اسلامی در عراق و شام» (داعش) است به جانشینی «ابی عمر البغدادی» برگزیده شد.

البغدادی با شعار یاری رساندن به اهل سنت سوریه از عراق وارد شرق این کشور شد و علیه نظام سوریه اعلان جنگ کرد. حضور شبکه القاعده در سوریه همزمان با ظهور «جبهه النصره» به رهبری «ابو محمد الجولانی» در اواخر سال ۲۰۱۱ آغاز شد و به سرعت قدرت آن افزایش یافت و در طول چند ماه به بزرگ‌ترین نیرو در سوریه تبدیل شد. با اعلام بیعت جبهه‌النصره با شبکه القاعده در افغانستان به رهبری الظواهری، در گزارش‌های اطلاعاتی، مطبوعاتی و رسانه‌ای از رابطه جبهه‌النصره با دولت اسلامی در عراق سخن گفته شد و دولت اسلامی در عراق به عنوان امتداد این گروه در سوریه معرفی شد. ابوبکر البغدادی در نهم ژوئیه سال ۲۰۱۳ در پیامی صوتی از ادغام جبهه النصره با دولت اسلامی در عراق با عنوان «دولت اسلامی در عراق و شام» سخن گفت و از اینجا داستان داعش آغاز شد. در ۲۹ ژوئن

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

۲۰۱٤ متعاقب پیشرفت‌های سریعی که به دست آمد و سرزمین هایی که به سرعت تسخیر کردند، به همراه ضمیمه کردن موصل در ۱۰ ژوئن، داعش اعلام خلافت کرد (بارت[1]، ۲۰۱٤: ۱۳). این‌گونه بود که داعش به عنوان مخوف‌ترین و قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه خاورمیانه ظهور کرد (گرجس[2]، ۲۰۰۵: ۱۰۵).

۲. ویژگی‌های بنیادگرایی داعش

ایدئولوژی مبتنی بر وهابیت، تأکید بر احیای خلافت و استقرار آن در جهان اسلام، استفاده از تکفیر در حد گسترده و اعلام جهاد علیه سایر مسلمانان، جزء ویژگی‌های بارز ایدئولوژی داعش است.

الف) داعش و وهابیت: همانند القاعده و اکثر گروه‌های تکفیری- وهابی، ایدئولوژی داعش نیز به شدت متأثر از فرقه وهابیت است (بخشی شیخ احمد، بهاری و وهاب‌پور، ۱۳۹۳: ۱٤۲). این جریان توسط افرادی همچون ابن تیمیه و ابن قیم و محمد ابن عبدالوهاب شکل گرفت و منظور آنها از بازگشت به سلف به معنای بازگشت به قرائت خاص آنها از اندیشه‌های حنبلی و اهل حدیث است که شکلی افراطی و حتی در مواردی مخالف با آموزه‌های اصلی احمد ابن حنبل و بزرگان اهل حدیث میباشد. به عبارت دیگر، معیار سلفی بودن در دوران معاصر، قرائت ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ هـ‌ق) و محمد ابن عبدالوهاب از تاریخ صدر اسلام است و عموماً سلفی‌ها براساس مبانی فکری این دو به تفسیر دین می‌پردازند (پایگاه خبری- تحلیلی جهان‌بین، ۱۳۹۳).

ب) تأکید بر احیای خلافت: داعش گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی دارد و هدف سازمان‌دهندگانش بازگرداندن چیزی است که آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می‌نامند (بصیری، آقامحمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۵۲). هدف اعلام‌شده داعش بازسازی خلافت با خلیفه‌ای است که باید جانشین حضرت محمد (ص) باشد. داعش در بیانیه‌ای که صادر کرد مدعی بود که اصل و نسب رهبرش، ابوبکر بغدادی، مستقیم به پیامبر اسلام بازمی‌گردد و از این طریق قصد داشت حقانیت خود را برای برپایی این خلافت ثابت کند. اجرای شریعت به نظر آنها راه‌حل تمام مشکلات است. در واقع نص‌گرایی رد هرگونه

1. Barrett
2. gerges

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

تأویل و عقل‌گرایی و نفی تمام مظاهر مدرنیته مثل دموکراسی است. داعشی‌ها دموکراسی را کفر می‌دانند. از این‌رو، خلافت خودخوانده را نه برای کشوری خاص، بلکه برای تمام مسلمانان جهان اعلام می‌کنند (بخشی شیخ احمد، بهاری و وهاب‌پور، ۱۳۹۳: ۱٤۲).

ج) تکفیر و جهاد: تکفیر انکار وحی مُنزل که از طریق پیامبر خدا اعلام می‌شود، بوده و خروج از دین محسوب می‌گردد. داعش تقریباً تمام مسلمانان حتی گروه‌هایی همچون القاعده را که خود به نوعی انشعاب آن می‌باشد، تکفیر می‌کند. آنها حتی تمامی گروه‌هایی را که در سوریه و عراق علیه رژیم حاکم مبارزه می‌کنند را غیراسلامی و باطل دانسته، مبارزه با آنها را واجب می‌دانند. به همین دلیل همهٔ افرادی که غیر داعش هستند، از دین خارج شده و مرتد می‌باشند.

جهاد نیز یکی از مهم‌ترین اسباب وجودی داعش و همچنین حیاتی‌ترین اصول کاربردی در رسانه‌های آن است. جهاد از نظر آنها واجب عینی است. در میان نوسلفی‌ها جهاد به جهاد ابتدایی و تهاجمی تغییر می‌کند و به واجب عینی تبدیل می‌شود (همان: ۱٤٦). در واقع، تکفیر انگیزه‌ای برای جهاد است. تکفیر جوهرهٔ ایدئولوژی و ابزاری برای بسیج کردن علیه کافرانی است که با این دعوت مخالفت می‌ورزند. داعش نیز از همین ابزار برای بسیج کردن عناصر خود سود می‌جوید.

۳. تهدیدات داعش علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بررسی محیط استراتژیک و ماهیت معادلات امنیتی در تعیین اهداف ملی هر کشوری اولویت دارد. از این‌رو، محیط امنیتی خاورمیانه همواره منافع ملی و تهدیدهای امنیتی ایران را تعریف می‌کند. با توجه به گفتمان شیعی انقلاب اسلامی و تقابل این گفتمان با دولت‌های اهل سنت و سلفی‌گری در منطقه از یک سو و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای از سوی دیگر، امنیت ملی ایران را همواره با چالش‌هایی مواجه کرده است. این فصل از پژوهش در نظر دارد تهدیداتی که از جانب گروه تروریستی و بنیادگرای داعش امنیت ملی ایران را با خطر مواجه ساخته است را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این راستا، طبق دسته‌بندی مکتب کپنهاگ، امنیت نظامی (تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی و انجام فعالیت‌های تروریستی در داخل)، امنیت سیاسی (تضعیف محور مقاومت از طریق تضعیف رژیم‌های شیعه در عراق، سوریه و لبنان، رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف شیعه و سنی و

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

تهدید حاکمیت ملی، برهم خوردن موازنه قوا در منطقه به نفع عربستان، ترکیه و اسرائیل و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا در منطقه خاورمیانه) و امنیت اجتماعی (افزایش تنش‌های قومی و مذهبی) جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید واقع شده است.

الف) تهدیدات داعش علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران

به تعبیر بوزان تهدیدات نظامی مرکز نگرانی‌های مربوط به امنیت است، زیرا همه اجزای دولت را تهدید می‌کند، باعث اخلال و نابودی نهادها شده و همه چیز را با توسل به زور از بین می‌برد (نصری، ۱۳۷٦: ۳۸). تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های نظامی با امنیت ملی یکسان است، زیرا تهدیدات نظامی اغلب بین‌المللی و مستقیم هستند. جوامعی که درگیر جنگ هستند نه فقط زندگی و ثروت شهروندان، بلکه موفقیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمعی‌شان را نیز به خطر می‌اندازند. در ذیل مهم‌ترین تهدیدات نظامی داعش بررسی می‌شود.

۱. داعش و تهدید مرزهای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران

مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعهٔ امنیتی ملاک ارزشمندی است. با توجه به اینکه تهدیدات در فاصله‌های نزدیک شدت و نمود بیشتری دارند و کشورها از تهدیدات امنیتی در مجاورت خود بسیار نگران هستند، هرگونه کنش و واکنش را در دولت‌های همسایه زیر نظر دارند (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹٤: ٦). همسایگی خود را زمانی به عنوان اصلی‌ترین عامل تهدید امنیتی نشان می‌دهد که بدانیم کشوری که دارای مرزهای سرزمینی بسیاری با کشور ماست، دچار تغییرات امنیتی است و موجودیت نظامش به خطر افتاده است و مجالی برای گسترش و افزایش ترددهای تروریستی فراهم آورده است.

در تابستان ۱۳۹۳ نیروهای داعش در حالی که به پیشروی‌های خود ادامه می‌دادند، توانستند دو شهر کوچک در استان دیاله به نام‌های «السعیدیه» و «جلولاء» در شرق عراق را به تصرف خود درآورند. این دو شهر در نزدیکی مرز عراق با ایران یعنی مرز خانقین (مرز خسروی در استان کرمانشاه) هستند. حرکت داعش در عراق بزرگ‌ترین خطر امنیتی ملی برای ایران در چند دههٔ اخیر است. داعش دارای چند منظور اصلی است: بزرگ‌ترین هدف شکستن استراتژی هلال شیعه و ایجاد یک منطقه و حتی کشور سنی‌نشین در مرکز این هلال شیعی و

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

فاصله انداختن بین ایران و جنوب عراق با سوریه و اسرائیل است. از همین زاویه بزرگ‌ترین خطر فوری که کشور را تهدید می‌کند، نبودن این سپر و حائل بین ایران و این گروه در مرز غربی است. یکی از هدف‌های اصلی داعش نه رسیدن به دمشق یا حتی بغداد، بلکه رسیدن به مرز ایران و قطع ارتباط کردستان عراق با شیعیان جنوب است. بی نظمی‌ها و بی‌ثباتی کشور همسایه عراق و سوریه می‌تواند معضلات و مشکلاتی همچون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و معضلات زیست‌محیطی، گسترش ناامنی و تروریسم و... را بر جای گذارد. می‌توان تصور کرد که این گروهک تروریستی با این مرام بر عراق و شام تسلط یابد، وجود چنین تصوری نیز وحشتناک است. نزدیک شدن این گروه تروریستی به مرزهای ایران می‌تواند پیامدهای امنیتی برای کشور دربرداشته باشد. این موضوع به‌ویژه در صورت دستیابی این گروه به سلاح‌های میانبرد ابعاد جدی‌تری خواهد یافت (ذوالفقاری، سایت بنیاد صبح قریب، ۱۳۹۳).

۲. انجام عملیات تروریستی در داخل ایران

تلاش داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق با ناامن کردن مرزها و فراهم کردن زمینهٔ قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی بزرگ را در پی داشته باشد. انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادرشده از طرف آنها قابل فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹٤ اتفاق افتاد که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد (سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹٤).

حملات خرداد ۱۳۹٦ تهران به حملات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی(ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹٦ (۷ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی) در تهران اشاره دارد که در نتیجهٔ آن ۱۷ نفر شهید شدند و ۵ مهاجم نیز کشته و حدود ۵۲ نفر زخمی شدند. این حملات حدود ساعت ۱۰:۳۰ با حمله به ساختمان مجلس آغاز شد. گروه دوم حدود ساعت ۱۰:٤۰ وارد حرم امام خمینی(ره) شدند. این حملات نخستین حملهٔ داعش در خاک ایران بود و اولین حمله تروریستی در تهران در بیش از یک دهه و نخستین حملهٔ بزرگ در کشور ایران از زمان بمب‌گذاری ۱۳۸۹ در زاهدان محسوب می‌شود. در این عملیات نیروهای

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

سپاه، ناجا و نیروهای امنیتی به مقابله با افراد مسلح که عضو داعش بودند، پرداختند. در فاصلهٔ چند روز بعد از این اقدام تروریستی سپاه پاسداران ایران برای انتقام این حملات در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ مواضع داعش در استان دیرالزور، واقع در شرق سوریه را هدف حمله موشکی قرار داد (سایت اینترنتی شبکه خبر، ۱۳۹۶).

۳. ایجاد خلافت اسلامی از سوی داعش تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران

یکی از اهداف مهم داعش، ایجاد نظام سیاسی مورد نظر خویش است که از آن با عنوان «امارت اسلامی» یاد می‌کنند. پیش شرط تشکیل چنین واحد سیاسی، نابودی دولت‌های مستقر در جهان اسلام به‌ویژه خاورمیانه است (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۶). هدف اعلام‌شدهٔ داعش بازسازی خلافت با خلیفه‌ای است که عموماً باید جانشین حضرت محمد(ص) باشد (بخشی شیخ احمد، بهاری و وهاب‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴۳). با توجه به اینکه داعش به مرزهای سیاسی، اعتقادی ندارد، بنابراین گفتمان و عملکرد آن علاوه بر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به طور خاص تهدیدی جدی برای امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران است. داعش، مرزهای موجود بین کشورهای اسلامی را که حاصل تجزیهٔ خلافت عثمانی براساس قرارداد سایکس- پیکو[1] سال ۱۹۱۶ بین وزیران امور خارجه انگلیس و فرانسه است، نمی‌پذیرد و براساس عقاید خود، نقشه‌ای از جهان را ترسیم کرده است (سعدالدین، ۱۳۹۰: ۵۴- ۱۹۴).

ب) تهدید امنیت سیاسی ایران از سوی داعش

اندیشمندان مکتب کپنهاگ توجه خاصی به این حوزهٔ امنیت داشته‌اند و تهدیدهای سیاسی را به طور عمده متوجه مشروعیت و حاکمیت دولت می‌دانند. امنیت سیاسی دربارهٔ ثبات سازمان‌یافته نظم اجتماعی است. مکتب کپنهاگ مهم‌ترین تهدید و آسیب‌پذیری را متوجه حاکمیت دولت می‌داند. در حوزهٔ امنیت سیاسی شاید برجسته‌ترین ابعاد امنیت سیاسی، بحث حاکمیت و نهادهای برآمده از آن باشد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). از آنجا که حاکمیت دولت متشکل از سه مؤلفهٔ ایده، پایه‌های فیزیکی و نهادهاست، ضرورتاً تهدید این سه مؤلفه آسیب‌پذیری حاکمیت و فلسفه وجودی دولت را به دنبال دارد.

1. Sykes-Picot

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

بر این مبنا مهم‌ترین تهدیدات امنیت سیاسی جمهوری اسلامی بدین‌گونه مطرح می‌شود:

۱. تضعیف محور مقاومت و ژئوپلتیک شیعه

یکی از عواملی که از نظر بوزان سبب پایداری مجموعه‌های امنیتی مناطق می‌شود، الگوهای دوستی و دشمنی است. بوزان معتقد است تعاملات تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی میان دولت‌ها مهم محسوب می‌شود. وی ماهیت این تعاملات را براساس طیفی میان دوستی و دشمنی قرار می‌دهد (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۶). بر این اساس خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای تعریف می‌شود که دچار تعارض همیشگی است. عوامل فوق میزان ثبات و پایداری روابط میان بازیگران مجموعه امنیتی ایران و محور مقاومت را تشدید کرده است. ایران، سوریه و گروه‌های حزب‌الله و حماس کمتر با یکدیگر دچار تعارض شده‌اند و بنابراین، تمایلی برای جنگ و تجاوز علیه همکار امنیتی مجموعه وجود نداشته است، بلکه اشتراکات ایدئولوژیک، موجب افزایش ارتباطات مثبت میان ملت‌های این بازیگران شده است. دولت شیعی عراق نیز بعد از سقوط صدام همکاری‌های گسترده‌ای را با ایران و این مجموعهٔ امنیتی آغاز کرد. این کشور هلال شیعی را در منطقه تکمیل کرد و در کنار ایران و سوریه موجب شیوع تفکر و ایدئولوژی انقلاب شیعی گشت. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران نیز مسئلهٔ منازعه در سوریه و عراق و البته یمن و بحرین را تنها یک معضل منطقه‌ای نمی‌پندارد که اجازه دهد سایر قدرت‌های منطقه‌ای به راحتی درباره آن تصمیم بگیرند، بلکه خود را در تمام مسائل کشورها ذی‌حق می‌داند، چرا که امنیتش با تهدید مواجه شده است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹٤: ۵). در چنین محیطی خواست ایران این است که مانند یک قدرت بزرگ منطقه‌ای با وی رفتار شود. قدرت منطقه‌ای که منافع و امنیتش در سطح منطقه تعریف می‌شود (ساترلین[1]، ۲۰۱۳: ۷).

الف) پیامدهای سقوط رژیم بشار اسد برای ایران

سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ارزش راهبردی بسیار بالایی برخوردار است (الرشید، ۱۳۹۳: ۵۵–۳۸). مناسبات سه دهه گذشتهٔ جمهوری اسلامی ایران و سوریه حکایت از رشد عمیق روابط سیاسی و امنیتی این دو کشور دارد. با توجه به حضور هر

1. Sutherlin

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

دو کشور در محور مقاومت و حمایت آنها از گروه‌های مبارز فلسطینی و نیز منافع همپوشانی که دو کشور در لبنان دارند، بخش مهمی از روابط راهبردی ایران و سوریه به خاطر لبنان و نقشی است که دولت سوریه در این زمینه ایفا می‌کند. سوریه مهم‌ترین پل ارتباطی ایران برای حمایت از حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی محسوب می‌شود، بنابراین اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۸؛ آجرلو، ۱۳۹۰). مناطقی که داعش تصرف کرده، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است (متقی، رشیدی و معینی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

ب) تأثیر حمله داعش به عراق بر محور مقاومت

حمله داعش به عراق باعث ناکامی و ناتوانی دولت عراق شده است. این جریان نه تنها باعث توجه این کشور به مسئله فلسطین نخواهد شد، بلکه برای جمهوری اسلامی نیز پیامدهای بسیار مهمی خواهد داشت و در نتیجه، مانع عمده‌ای در راه محور مقاومت خواهد بود. یکی از نخستین پیامدهای چنین وضعیتی این است که عراق به مأمن مناسبی برای فعالیت گروه‌های معاند و رژیم‌های مخالف جمهوری اسلامی تبدیل شود. در صورت ناکامی دولت عراق، گروه‌های تکفیری بیشتری در این کشور شکل خواهد گرفت و حتی این گروه‌ها ممکن است از برخی اقلیت‌های قومی در ایران یارگیری کنند و به این صورت، یکی از اهداف اسرائیل که جابه‌جایی اولویت‌ها در سیاست خارجی ایران نسبت به مسئلهٔ فلسطین است، محقق خواهد شد. پیوستگی جغرافیایی عراق با سوریه و تسری ناکامی دولت‌ها در هر دو کشور، می‌تواند دو حلقه مهم جبهه مقاومت را در مقابل اسرائیل تضعیف کند (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۳). این مسئله باعث تضعیف گفتمان شیعه و انزوای جمهوری اسلامی ایران می‌شود (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹٤: ۳). به تعبیر بوزان و ویوور تغییر و تحولات ساختاری و هرگونه ناامنی در مجموعه امنیتی به چند شکل ایجاد می‌شود. یکی از این موارد دگرگونی داخلی در مجموعه امنیتی است. با تغییر رژیم سوریه و گسترش داعش در عراق، به طور حتم دولت‌های بعدی روابط دوستانه‌ای با ایران نخواهند داشت. اگر به چالش‌های منطقه‌ای ایران توجه کنیم متوجه می‌شویم که حفظ مجموعه امنیتی محور مقاومت یک ضرورت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹٤: ۱۳). بنابراین، لازم است که ایران حتی با ابزار نظامی از محور مقاومت حمایت به عمل آورد. در عمل نیز هم اکنون آمریکا و متحدانش و ایران و روسیه هرکدام از متحدان مشترک خود حمایت و پشتیبانی کرده و اقدامات نظامی مستقیمی را در عراق و سوریه بر ضد تروریسم ترتیب می‌دهند. ایران با این اقدام می‌تواند همچنان نفوذ منطقه‌ای خود را حفظ و به تقویت هرچه بیشتر محور مقاومت منطقه بپردازد (بصیری، آقامحمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ٦۸).

۲. تأثیر هجوم داعش به عراق بر امنیت ملی ایران

تلاش برای تجزیه عراق از اهداف مهم حمله داعش به این کشور بوده و به نوعی انتقام شکست در سوریه است (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ٤۳). اگر تجزیهٔ عراق را مفروض و محتمل بگیریم، این امر پیامدهای مختلف ژئوپلیتیکی و امنیتی برای ایران در پی خواهد داشت: استقلال کردستان عراق به معنای تثبیت و نهادینه کردن هارتلند و عمق استراتژیک برای اقلیت تجزیه‌طلبان ایرانی است. تشکیل کشور مستقل کردستان، یعنی اینکه ایران دائماً یک همسایه مزاحم داشته باشد و بخش اعظم توان امنیتی خود را جهت بازدارندگی این همسایه صرف کند. در واقع، کردستان مستقل یک تهدید وجودی[1] برای ایران خواهد بود. مضاف بر اینکه پر واضح است که یک دولت فرومانده[2] بر این منطقه حاکمیت پیدا خواهد کرد و مسئولیت‌پذیری آن در قبال امنیت مرزهای ایران حداقل خواهد بود.

تثبیت موقعیت داعش و تشکیل دولت مستقل توسط آن می‌تواند سه جلوه عمده داشته باشد: سومالیزه شدن، بعثیسم و طالبانیسم. سومالیزه شدن به این معناست که این منطقه بهشت تروریست‌ها خواهد شد و با توجه به گسترهٔ ارضی که این گروه ترسیم کرده و عملاً بر آن مسلط است، در همان فاز اول با ایران همسایه خواهد شد (امیدی، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳).

۳. حضور ایالات متحده در منطقه خاورمیانه به بهانهٔ مبارزه با داعش

یکی از اشکال تغییر تحولات ساختاری و هرگونه ناامنی در مجموعه امنیتی که بوزان و ویوور مطرح می‌کنند، دگرگونی‌های خارجی و تحت‌الشعاع قرار دادن مجموعه امنیتی از

1. existential threat
2. failed state

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

طریق اقدام همزمان قدرت‌های بزرگ است. در اینجا یک قدرت بزرگ وارد مجموعه امنیتی می‌شود. این ورود می‌تواند از طریق مداخله، پشتیبانی از نیروهای مخالف، ارسال اسلحه، حمایت آموزشی و کمک‌های مالی و هرگونه اقدامی جهت اخلال و فروپاشی مجموعه امنیتی باشد. در اینجا علاوه بر عربستان و ترکیه و قطر، نقش ایالات متحده به عنوان دشمن درجه یک ایران مطرح می‌شود (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹٤: ۱۳). قدرت‌های بزرگ از فرقه‌ها برای نفوذ و تأثیر بر اراده سیاسی دیگر حکومت‌ها استفاده می‌کنند. فرقه‌ها زمینه حضور و دخالت عوامل خارجی را در درون جوامع اسلامی فراهم می‌کنند (حاجیانی، ۱۳۸۳: ۲۵۱). در واقع خلأ امنیتی است که نیاز به حضور قدرت‌های جهانی را در منطقه توجیه می‌کند. هرچه این عدم امنیت بیشتر باشد، نیاز بیشتر و در نتیجه وابستگی بیشتر را در پی خواهد داشت (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱۹۸). در منطقه خاورمیانه، مخصوصاً در عراق و سوریه این خلأ امنیتی بسیار مشهود است. در واقع این دو کشور جزء کشورهای فرومانده یا ناکام محسوب می‌شوند که توان حفظ امنیت در درون مرزهای خود را ندارند. چنین دولت‌هایی، فرصت‌هایی را برای بازیگران خارجی مداخله‌جو فراهم می‌سازند (طالبی ارانی، ۱۳۸۹: ۱۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

٤. ارائه تصویری نامناسب از مقاومت

یکی دیگر از پیامدهای بسیار مهم شکل‌گیری گروه‌های تکفیری به‌ویژه داعش، ارائهٔ تصویر نامناسبی از اسلام در عرصهٔ بین‌المللی است. اسرائیل و رسانه‌های صهیونیستی که تبحر ویژه‌ای در «برجسته‌سازی» دارند، تلاش می‌کنند تا مقاومت اسلامی را با تروریسم و افراط‌گرایی یکسان معرفی کنند و به این صورت ادعا نمایند که ماهیت گروه‌های مقاومت فلسطین با گروه‌های تکفیری یکسان است. رسانه‌های صهیونیستی طی سال‌های اخیر، تصاویر و اخباری مبنی بر حمایت گسترده فلسطینی‌ها از داعش منعکس کرده‌اند تا همسان‌انگاری مقاومت اسلامی و داعش را اثبات کنند و به این صورت، نوک پیکان مقاومت اسلامی در سرزمین‌های اشغالی را تضعیف کنند (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۳).

۵. شیعه ستیزی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با حملهٔ داعش به عراق موجی از فرقه‌گرایی و تفرقه شکل گرفت. از یک سو، در وجه

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

نرم‌افزاری، حجم فتواها و فشار دیپلماتیک علیه شیعیان و سیاست خارجی ایران افزایش چشمگیری یافت و از سوی دیگر، ضمن اقدامات بی‌سابقه‌ای از قبیل قتل عام شیعیان در عراق، تهدیدات مربوط به امنیت و منافع ملی ایران عینیت یافت. در این میان، باید توجه کرد که سلفی‌های افراطی می‌توانند افکار عمومی اهل سنت را علیه شیعیان و ایران برانگیزند. همچنان که زرقاوی، روحانی برجسته، نظر برخی از اهل سنت عراق را نسبت به ایران منفی کرد و این ایده را ترویج داد که «صفوی‌های جدید» در حال تصرفِ قلمرو تاریخی اهل تسنن هستند. بنابراین، برخورد آنها را نمی‌توان به اقدامات دینی تقلیل داد، بلکه این اقدامات دارای ابعادی با مقیاس تأثیرات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۷).

رهبران داعش مکرر شیعیان را هدف حملات خود قرار داده‌اند. ابوبکر بغدادی، امیر داعش، نیز شعیان را مرتد می‌داند و جهاد خشونت‌بار بر ضد آنها را تشویق می‌کند: «من درخواست خودم را از همه جوانان و مردان مسلمان در سراسر جهان مطرح می‌کنم و از آنها می‌خواهم تا به سمت ما هجرت کنند و پایه‌های دولت اسلام را تحکیم بخشند و در جهاد بر ضد رافضی‌های صفوی، شیعیان مجوسی مشارکت کنند» (آدمی و نیک‌نام، ۱۳۹۵: ۱۳).

٦. به هم خوردن موازنه به نفع رقبای منطقه‌ای ایران

چون روند تحولات امنیتی در منطقه خاورمیانه حاکی از وجود وابستگی متقابل امنیتی منفی در این منطقه است، ازدیاد قدرت یک واحد به سرعت تأثیری منفی بر امنیت ملی واحد دیگر بر جای می‌گذارد و روندهای تقابل‌جویانه و منازعات امنیتی شکل می‌گیرد (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹٤: ۱٤۲).

بوزان بیان می‌دارد که در چارچوب مجموعه امنیتی شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان کشورها حاکم است که امنیت آنها را به هم پیوند زده است. امنیت کشورهای عضو گروه مقاومت نیز به یکدیگر پیوند خورده است. مثلاً با دستیابی ایران به برنامهٔ هسته‌ای و روی کار آمدن دولت شیعی در عراق، سوریه نفوذ بیشتری در منطقه پیدا می‌کند. حزب‌الله و حماس نیز مجهزتر گشته و علاوه بر اقدامات تدافعی، دست به اقدامات تهاجمی نیز می‌زنند. به همین میزان، از قدرت تهاجمی اسرائیل کاسته می‌شود. از سوی دیگر، هرگاه فشارهای بین‌المللی بر ایران به سبب برنامه هسته‌ای افزایش یابد، سوریه از میزان فعالیت خود در منطقه می‌کاهد و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

بیشتر رو به سازش با کشورهای عربی منطقه می‌آورد و حزب‌الله نیز دست به هیچ عملیاتی نزده و منزوی می‌شود (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹٤: ۵). از نگاه کشورهایی مانند عربستان و قطر، بحران سوریه فرصتی را برای سدکردن نفوذ رو به رشد ایران در عراق و شامات فراهم کرده است تا از این طریق بتوانند مواضع و جایگاه خود را نیز تقویت کنند (التیامی‌نیا، ۱۳۹۲: ٦۹).

به اعتقاد بسیاری جبههٔ سوریه و عراق محل تلاقی نیروهای مقاومت به رهبری ایران و کشورهای محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان است و شکست هر یک از طرفین در این جنگ نیابتی، به معنای برتری دیگری در منطقه است (گودرزی[1]، ۲۰۱۳: ۳۲). عربستان با تلاش برای تغییر رژیم سوریه و رقابت با ایران، شروع‌کنندهٔ جنگ نیابتی در تحولات سوریه شده است (هرییت[2]، ۲۰۱۲: ۸). نفوذ ایران در حوزهٔ فلسطین و لبنان چالشی سمبلیک برای اعتبار پادشاهی سعودی در جهان اسلام محسوب می‌شود. ایران از طریق پیوندهای نزدیکی که با سوریه برقرار کرده توانسته که نفوذش را در لبنان و فلسطین افزایش دهد (جانسیز، بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۷٦). از آنجایی که عربستان سوریه را به خاطر حمایت از حزب‌الله، باعث کاهش نفوذش در لبنان می‌دانست، بنابراین تحولات سال ۲۰۱۲ سوریه این فرصت را در اختیار آل سعود قرار داد تا بتواند از سوریه و در مرحلهٔ بعد از ایران انتقام بگیرد (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۱۹).

بعد از فروپاشی رژیم بعث در عراق و قدرت‌یابی و قدرت‌گیری شیعیان عراق به عنوان جمعیت حداکثری در این کشور، عربستان سعودی که خود را بازنده بازی قدرت در عراق پس از جنگ آمریکا در این کشور می‌داند بر تنش‌های مذهبی در عراق و در منطقه دامن زده است. از این‌رو، این کشورها تلاش می‌کنند تا با افزایش سهم اعراب سنی در ساختار قدرت، از گسترش نفوذ و قدرت گروه‌های شیعی جلوگیری کنند (کردسمن[3]، ۲۰۱۰: ٤). در این راستا، عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی ـ تکفیری از جمله داعش، النصره و غیره کرده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی در منطقه به وجود آورد و در نتیجه اسلام‌گرایی در جهان را با یک چالش اساسی مواجهه نماید (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۸). وجود بحران بی‌ثبات‌سازی سوریه در واقع هدفی جز برقراری توزان بین

1. Goodarzi
2. Harriet
3. Cordesman

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

محورها و تضعیف نقش و جایگاه ایران دنبال نمی‌کند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲٤). همچنین کاهش نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه مهم‌ترین تهدیدی است که از برهم خوردن موازنه به نفع رقیبان برای ایران ایجاد می‌شود و می تواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹٤: ۱٤۲). سقوط سوریه و به قدرت رسیدن حکومتی همگرا با محور ترکیه و عربستان، عملاً مرزهای غربی عراق را نیز در معرض فشار حکومت جدید سوریه قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، حفظ حکومت اسد برای ایران یک موضوع حیاتی است (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ٤۱).

ترکیه نیز به عنوان قدرت درجه دوم در منطقه خاورمیانه، خواهان رسیدن به قدرت اول است و در این راه باید قدرت ایران را به چالش کشد (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۲). مواضع ایران و ترکیه دربارهٔ تحولات عراق و سوریه کاملاً متفاوت است، به گونه‌ای که ایران و ترکیه به صورت نیابتی درگیر تحولات سوریه و درگیری‌های عراق شده‌اند. ترک‌ها از معارضان مسلح حمایت می‌کنند و در مقابل ایران از دولت‌های بغداد و دمشق پشتیبانی می‌کند. بر این اساس، شدیدترین رقابت سخت و نرم ترکیه و ایران در خاورمیانه، در سوریه و عراق مشاهده می‌شود (عنایتی شیکلائی، اطهری و حاجی مینه، ۱۳۹٤: ۷۷). ترکیه دست یافتن به جایگاه مرکزی در منطقه را تنها در شرایط ضعف ایران دست‌یافتنی می‌بیند.

ج) تأثیر داعش بر امنیت اجتماعی ایران

طبق دیدگاه مکتب کپنهاگ مفهوم سازمان‌دهندهٔ امنیت اجتماعی هویت است. امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت آنهاست. تغییر هویت می‌تواند منجر به نوعی جدایی‌طلبی گردد که جدایی‌طلبان را به سوی هویت‌های فراخ‌تر می‌کشاند. فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم، همگی موضوعات امنیت اجتماعی هستند که دولت‌ها باید در رابطه با حفظ امنیت ملی به این مؤلفه‌ها توجه کنند. بنابراین، تضعیف وحدت ملی و تشدید اختلافات قومیتی در ایران یکی از تهدیدهای امنیت اجتماعی است که باید بررسی شود. در هر صورت باید توجه کرد که مشکل اصلی تهدیدات اجتماعی از لحاظ امنیت ملی این است که اغلب آنها در داخل کشور واقع شده‌اند. از آنجایی که اصولاً امنیت اجتماعی به الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم مربوط است، این ارزش‌ها اغلب در داخل کشور

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

مورد تهدید قرار می‌گیرند (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

در این راستا، یکی از پیامدهای حضور داعش در عراق برای ایران گسترش ناامنی، افراط‌گرایی و تنش‌های مذهبی در عراق و سرایت آن به ایران است که تنش‌ها و تهدیدات جدی را در داخل ایران به وجود می‌آورد. در حوزهٔ تهدید اجتماعی توسط داعش، به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها، بحث درگیری بین شیعه و سنی است. به نظر داعش «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و بنابراین، کشتار شیعیان را براساس اعتقاداتشان مشروع می‌دانند (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). بنابراین، این خطر وجود دارد که داعش بتواند با تبلیغات وسیع خود حساسیت اهل تسنن ساکن در ایران را علیه شیعیان برانگیزد. همچنین تجزیه عراق و در نتیجه تسلط داعش به عنوان تهدیدی به تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی سرزمینی آن محسوب می‌شود که در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد روندهای واگرایانه در کشور شود. همچنین نگاهی سطحی به دورنمای آسیب‌های نرم‌افزاری ناشی از تحرکات وهابیون در ایران می‌تواند این فرقه را به گروه فشار یا ابزار جاسوسی برخی کشورهای منطقه تبدیل کند. «یکی از اهداف آنها نفوذ بر مدارس مذهبی اهل سنت، به‌ویژه در استان‌های مرزی جهت ترویج عقاید ضد شیعی است. افزایش پتانسیل شکل‌گیری گروه‌های تروریستی ضد شیعی نزدیک به سلفی‌گری و تضعیف وحدت ملی نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نقش مذهب به عنوان یکی از رشته‌های وحدت ملی، رشد جریان‌های سلفی‌گری می‌تواند وحدت ملی ایرانیان را مورد خدشه قرار دهد. یکی دیگر از تهدیدات راهبردی رخنه سلفی‌گری این است که می‌تواند پتانسیل وقوع برخی تنش‌های فرقه‌ای را در استان‌های سنی‌نشین غربی و جنوب غربی جمهوری اسلامی مانند کردستان و خوزستان به وجود آورد» (طحامنش و قدیری، ۱۳۹۱: ۱۸۶).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

بحث و نتیجه گیری

برای بررسی ظهور داعش بر امنیت ملی ایران از چارچوب تئوریک مکتب کپنهاگ استفاده شده است. این نظریه، امنیت را در چارچوب منطقه‌ای می‌بیند. در مکتب کپنهاگ مسائلی مثل الگوهای دوستی و دشمنی، اختلافات و همبستگی‌های نژادی- قومی و جز اینها جز علل اهمیت امنیت منطقه‌ای است. به نظر می‌رسد برای تبیین تهدید داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ مفید باشد.

داعش با بهره‌گیری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی و لجستیکی و نظامی برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه، توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. این مسائل باعث شد که دولت‌های شیعی در عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار بگیرند. با این کار محور مقاومت که برگرفته از اتحاد ایران، سوریه، عراق، فلسطین و لبنان است در معرض فرسایش و تهدید قرار گیرد. داعش با شعارها و اقدامات ضد شیعی، عملاً در راستای اهداف کشورهایی مثل عربستان و ترکیه قرار گرفته‌اند که خواهان کم کردن نفوذ ایران در منطقه به نفع خود هستند. از این‌رو، این کشورها از گروهای معارض در سوریه حمایت می‌کنند و خواهان ایجاد حکومتی سنی مذهب در این کشورها هستند. همچنین داعش می‌تواند خطری برای تمامیت ارضی ایران به حساب آید، زیرا داعش در اندیشهٔ ایجاد خلافت است و ایجاد خلافت مستلزم ادغام کشورهای منطقه در یک کشور است. آنها می‌توانند با حمله به مرزهای ایران و مکان‌های مقدس شیعی و همچنین، با اعمال عملیات تروریستی در داخل تهدیدات امنیتی بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورند. چنان‌که در خرداد ماه ۱۳۹۶ با حمله به مجلس و همچنین حرم مطهر امام خمینی (ره)، باعث شهید و مجروح کردن عده‌ای از هم‌وطنانمان شد. همچنین، جهت دفاع از مکان‌های مقدس شیعی در عراق و سوریه، عده زیادی از ایرانیان (مدافعان حرم) به صورت داوطلبانه وارد مکان‌های عملیاتی شده و جان خود را تقدیم می‌کنند. این مسائل نمایانگر تهدیدهای جدی و مهم داعش است. علاوه بر آن به دلیل حضور اقوام مختلف و همچنین گروهک‌های معارض و مخالف جمهوری اسلامی، اندیشه-های افراطی آنها می‌تواند به داخل مرزهای ایران اشاعه یابد و موجبات بی ثباتی در داخل را فراهم آورد. به همین دلیل، جمهوری اسلامی به حمایت از نظام شیعی در عراق و اسد در سوریه پرداخته و به شدت با

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

داعش مبارزه می‌کند و آن را تهدیدی برای خود می‌داند. همچنین، چگونگی مقابله با داعش به تقابل بین ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای مهم مثل ایران و عربستان انجامیده است و مجدداً پای ایالات متحده آمریکا را نیز به بهانهٔ مبارزه با داعش به منطقه باز کرده است. دشمن شماره یک ایران، یعنی اسرائیل نیز در این میان با حمایت از داعش و استقلال کردستان عراق، هر چه بیشتر به تهدیدات امنیتی علیه ایران دست می‌زند. در همه‌پرسی که در مهر ۱۳۹۶ش، در مورد استقلال کردستان عراق برگزار شد، اسرائیل تنها حامی جدایی و استقلال منطقه کردستان از عراق بود. استقلال کردستان عراق می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای ایران از حیث ایجاد مورد مشابه در داخل در پی داشته باشد.

ارائهٔ راهکار

در ادامه به مهم‌ترین راه‌حل‌های مقابله با داعش اشاره می‌شود: در ابتدا ضرورت دارد عالمان دینی و فقیهان در کنار روشنفکران و فرهیختگان به تأمل بپردازند که این گروهک چه نوع اسلامی را معرفی و نمایندگی می‌کند. ریشه‌ها، مغالطات و اصول باورهای آنها چیست؟ و با مطالعهٔ دقیق، هم مرزبندی خود را با آنها مشخص کنند و هم عالمانه به نقد الهیات و باورهای آنها و سوءاستفاده از قرآن، اسلام و فقه و شریعت بپردازند. این کار در کنار مقابلهٔ نظامی با جنایت‌های آنها کاملاً ضروری است. بی‌شک اقدام نظامی، آن هم اقدام نظامی هماهنگ بین کشورهای منطقه تنها بخشی از راه‌حل مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری از جمله داعش است. کشورهای منطقه باید به این درک برسند که امنیت همگان در مقابله با بحران فعلی داعش، به هم وابسته است و آتش تعصب و افراط‌گرایی فردی و یک‌جانبه خاموش نمی‌شود. همچنین باید دریافت که داعش به طور حتم توسط آنچه ائتلاف بین‌المللی خوانده می‌شود، شکست نخواهد خورد. به ویژه اینکه آمریکا بارها و به طور آشکارا در مواقعی که داعش در مرحلهٔ ضعف و از هم پاشیدگی قرار می‌گیرد، از آن حمایت می‌کند. باید توجه داشت که داعش تهدیدی جهانی است و نیاز به پاسخی جهانی دارد. کشورهای منطقه باید به این باور برسند که تنها با یک گروه تروریستی مبارزه نمی‌کنند، بلکه با یک ایدئولوژی مخرب روبه‌رو هستند که باید جدای از عرصهٔ نظامی، آن را در عرصهٔ اندیشه و فکر نیز شکست داد.

جمهوری اسلامی ایران نیز برای مقابله با داعش باید اقداماتی نظیر آماده‌باش اطلاعاتی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

نظامی در مرزهای مشترک با عراق، همکاری نظامی با دولت عراق در دفع داعش، افزایش همکاری‌های اطلاعاتی با ترکیه، عراق و سوریه در حوزه مناطق کردنشین، افزایش مراقبت‌های امنیتی و اطلاعاتی در مرزهای شرقی کشور و برنامه‌ریزی برای مواجهه با خلأ نظامی- امنیتی ناشی از خروج نیروهای آمریکایی را انجام دهد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

منابع

آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹٤). «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. سال چهارم. شماره ١٤. صص ١٩-١.

آدمی، علی؛ نیک‌نام، رضا (۱۳۹۵). «تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی- تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. سال پنجم. شماره ۱۹. صص ٢٤-٢.

اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵). «داعش و امنیت ملی ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. سال پنجم. شماره ۱۸. صص ١٤٣-١٢٤.

التیامی‌نیا، رضا (۱۳۹۲). «تبیین نقش قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه شامات و چشم‌انداز پیش‌رو». *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*. سال دوم. شماره ٤. صص ٩٤-٦٣.

الرشید، مضاوی (۱۳۹۳). *عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید*. ترجمه رضا نجف‌زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

امیدی، علی (١٦ تیر ۱۳۹۳). *پیامدهای امنیتی تجزیه احتمالی عراق برای ایران*. پایگاه اینترنتی: سایت دیپلماسی ایرانی http://www.irdiplomacy.ir.

بخشی شیخ‌احمد، مهدی؛ بهاری، بهنام؛ وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۳). «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری- وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)». *فصلنامه علوم سیاسی*. سال شانزدهم. شماره ٦٤. صص ١٥٣-١٣٣.

بصیری، محمدعلی؛ آقامحمدی، زهرا؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۵). «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. سال پنجم. شماره ۱۹. صص ۷۳-۵۲.

بوزان، بری؛ ویور، اولی؛ دی وایلد، پاپ (۱۳۸٦). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پورحسن، ناصر (۱۳۹۱). «آثار بحران سوریه بر مسئلهٔ فلسطین». *مجلهٔ مطالعات فلسطین*. شماره ۱۸. صص ٣٦-٧.

جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد؛ ستوده، علی (۱۳۹۳). «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. سال سوم. شماره ۱۲. صص ۹۲-٦٧.

حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۳). «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی». *مجله مطالعات راهبردی*. شماره ٢٤. صص ٢٥٤-٢٣٣.

(۱۷ خرداد ١٣٩٦). *حمله تروریستی به مجلس و حرم امام خمینی (ره)*. پایگاه اینترنتی: سایت شبکه خبر https://www.irinn.ir/fa/news.

داداندیش پروین؛ کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۱). «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی قفقاز جنوبی». *فصلنامه راهبرد*. شماره ٥٦. صص ١٠٧-٧٣.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ قرشی، یوسف (۱۳۹۱). «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن». *فصلنامه*

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

مطالعات راهبردی. سال پانزدهم. شماره ١٤. صص ٤١-٧.
ذوالفقاری، مهدی (١٢ مهر ١٣٩٣). *ابعاد کاوی تهدید گروه تروریستی داعش در فضای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران*. پایگاه اینترنتی: سایت بنیاد صبح قریب http://s-q.ir.
رجبی، سهیل (١٣٩١). «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی». *فصلنامه ١٥ خرداد*. دوره سوم. سال دهم. شماره ٣٤. صص ١٢٨-١١٣.
سازمند، بهاره؛ جوکار، مهدی (١٣٩٥). «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها و الگوهای روابط حوزه خلیج‌فارس». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال دوازدهم. شماره ٢. صص ١٧٧-١٥١.
ستوده، علی‌اصغر؛ خزائی، جعفر (زمستان ١٣٩٣). «آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه». *فصلنامه علمی- تخصصی حبل المتین*. دوره سوم. شماره ٩. صص ٢٤-٥.
سعدالدین، ابراهیم (١٣٩٠). *بیداری اسلامی (دلایل و ریشه‌ها)*. ترجمه کمال باغجری. تهران: ابرار معاصر تهران.
سیدنژاد، سیدباقر (١٣٨٩). «سلفی‌گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال سیزدهم. شماره ٤٧. صص ١٢٢-٩٥.
طالبی ارانی، روح‌الله (١٣٨٩). «جایگاه دولت‌های شکست خورده در سیاست خارجی ایالات متحده». *فصلنامه مطالعات آمریکا*. سال اول. شماره اول. صص ٣٢-٦.
طحامنش، علیرضا؛ قدیری، حجت‌الله (١٣٩١). «سلفی‌گری در عراق جدید و تأثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه امنیت پژوهی*. سال یازدهم. شماره ٣٧. صص ١٩٤-١٦٧.
عبدالله خانی، علی (١٣٨٣). *نظریه‌های امنیت*، جلد اول، تهران: ابرار معاصر.
(٢١ آذر ١٣٩٤). *٤ عروسک بمب‌گذاری شده در کاشمر خنثی‌سازی شد*. پایگاه اینترنتی: سایت خبرنگاران جوان http://www.yjc.ir/fa/news.
عنایتی شیکلائی، علی؛اطهری، اسدالله؛ حاجی‌مینه، رحمت (١٣٩٤). «بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. سال چهارم. شماره ١٤. صص ٩٣-٧٣.
کوهکن، علیرضا؛ تجری، سعید (١٣٩٣). «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (٢٠١٤ تا ٢٠١١)». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. سال سوم. شماره ١٠. صص ١٢٨-١١٣.
متقی، افشین؛ رشیدی، مصطفی؛ معینی‌فر، مسعود (١٣٩٢). «بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در مفهوم‌سازی هلال شیعی». *پژوهش‌های سیاست اسلامی*. سال اول. شماره سوم. صص ١٦٨-١٤٣.
مرادی، اسدالله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود (١٣٩٤). «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. سال چهارم. شماره ١٥. صص ١٥٣-١٢٥.
مندل، رابرت (١٣٧٩). *چهره‌های متغیر امنیت ملی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
میرزاده کوهشاهی، مهدی (١٣٩٣). «استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریوها و

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]

پیامدها». *پژوهشنامه دفاع مقدس*. سال سوم. شماره ۱۱. صص ۱۸۸-۱۷۲.
نجات، سیدعلی؛ جعفری ولدانی، اصغر (زمستان ۱۳۹۲). «جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی*. سال سوم. شماره ۸. صص ٤۹-۲۹.
(۹ آذر ۱۳۹۳). *نگاهی گذرا بر پیشینه و مبانی فکری گروه تروریستی داعش*. پایگاه اینترنتی: پایگاه خبری- تحلیلی جهان‌بین http://jahanbinnews.ir.
نصری، قدیر (۱۳۷٦). «مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی». *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*. شماره ۳۳. صص ۵۸-۳۳.
نیاکویی، امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱). «بازیگران معترض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها». *فصلنامه روابط خارجی*. سال چهارم. شماره ٤. صص ۲۸-۳.
هوشی سادات، سیدمحمد (۱۳۹۳). *داعش؛ میراث سیاسی غربی ـ عربی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
واعظی، محمود؛ داداندیش، پروین (۱۳۹۱). «ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای در قفقاز: رهیافتی نو». *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۷٤. صص ۲۰۲-۱٦۹.
Barrett, Richard (2014). *The Islamic State*. in: https://media.clarionproject.org
Cordesman, A. (2010). *Saudi Militants in Iraq: Assesment and Kingdom's Response*. in: http: //www. csis. Org.
Gerges, Fawaz (2005). *The Far Enemy: Why Jihad Went Global*. Cambridge University Press.
Goodarzi, Jubin (2013). "Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment". *Ortadogu Etutleri*. Vol. 4. No. 2.
Harriet, Ephraim (2012). *Arab League Urges Joint UN- Arab Peacekeeping Mission in Syria.* The Guardian, February 12, http//:www.Guardian.co.UK.
Sutherlin, John (2013). "The Syrian Dilemma: a U.S. Led Invasion or a U.N. Sponsored Resolution". *International Journal of Humanities and Social Science*. Vol. 3. No. 1.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۷
به این مقاله این‌گونه استناد کنید:
ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابوذر (۱۳۹٦)، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۷، ش۲، تابستان ۹٦، صص ۱۹۵-۱٦۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-08]